

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل

زهرا خسروی*، میترا خاقانی‌فرد**

چکیده: پژوهش حاضر به منظور مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل در شهر تهران انجام شد. بر این اساس، به‌طور تصادفی ۱۸۴ زن که مورد خشونت قرار گرفته‌اند و به مجتمع قضایی خانواده، پزشکی قانونی و مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و ۲۲۸ زن که مورد خشونت قرار گرفته‌اند و به علت‌هایی به مراکز فوق مراجعه نکرده بودند انتخاب شدند. از پرسش‌نامه‌های سنجش خشونت، پرسش‌نامه‌ی جامعه‌پذیری، پرسش‌نامه‌ی حمایت‌های اجتماعی که میزان حمایت‌های اجتماعی واقعی و ادراک‌شده‌ی زنان را می‌سنجد و پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌های اجتماعی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که اعمال انواع خشونت از سوی مردان علیه همسران‌شان در گروه مراجعه‌کننده به دادگاه بیشتر از گروه کنترل است. همچنین حمایت‌های اجتماعی واقعی ادراک‌شده و سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه کرده‌اند، کمتر از زنان خشونت‌دیده‌ای است که به دادگاه‌ها مراجعه نکرده‌اند. زنانی که دسترسی بیشتری به منابع شغلی، تحصیلی و حمایت‌های خانوادگی دارند کمتر از سوی همسران‌شان مورد خشونت قرار می‌گیرند. همچنین نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری، حمایت‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی، سهمی تعیین‌کننده در پیش‌بینی اعمال خشونت علیه زنان دارند. **واژه‌های کلیدی:** خشونت علیه زنان، جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی، حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی.

مقدمه

خشونت خانوادگی پدیده‌ای است که در سراسر تاریخچه‌ی خانواده مطرح بوده است و پیشنهادی به درازی کهن‌ترین افسانه‌ها دارد. خشونت خانوادگی به هیچ وجه مخصوص یک جامعه نیست و هرگز نمی‌توان آن را محدود به فقرا، طبقات کارگری و کم‌سوادان دانست، بلکه پدیده‌ای جهانی است که پیش‌رفته‌ترین

zohreh_khosravi@yahoo.com

khaghanimitra@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه الزهرا

** دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه ارمستان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۱۰

۱۷۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

کشورهای جهان از آن رنج می‌برند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۲۰۰۲). آن‌چه بیشتر تأسف برمی‌انگیزد این است که زنان به‌عنوان گروهی ویژه هم‌چنان که در جامعه مورد خشونت قرار می‌گیرند، در خانواده نیز مورد بهره‌کشی دیگر اعضای خانواده به‌ویژه همسران‌شان قرار می‌گیرند و قربانی انواع خشونت‌های بدنی و روانی می‌شوند که آثار و پیامدهای سوء برای آن‌ها به بار می‌آورد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۸).

تعریف‌های فراوانی از خشونت ارائه شده است که در یک جمع‌بندی می‌توان تعریف والاس^۲ (۲۰۰۴) را پذیرفت که خشونت را اعمالی می‌داند که به‌طور فیزیکی یا هیجانی مضر هستند یا به‌صورت بالقوه منجر به آسیب بدنی می‌شوند. همچنین زورگویی یا تجاوز جنسی، تهدید بدنی، تهدید به کشتن یا آسیب رساندن، محدود کردن فعالیت‌های عادی، سلب اختیار و محرومیت از دسترسی به منابع را شامل می‌شود. یکی از رایج‌ترین انواع خشونت، خشونت خانوادگی است که رفتار خشن علیه یکی از اعضای خانواده (معمولاً مردان نسبت به اعضای دیگر خانواده یعنی همسر، کودک و سالمندان خانواده) است. با توجه به تعریفی که در بالا آمده است، خشونت علیه زنان را می‌توان به خشونت فیزیکی، روانی، جنسی و اقتصادی تفکیک نمود. خشونت فیزیکی برای آسیب زدن و آزار بدنی به کار می‌رود مانند کتک زدن، خفه کردن و شکنجه.

پیل پیدی کایل و هم‌کاران^۳ (۲۰۰۴) گزارش کرده‌اند که از ۹۹ زن باردار مطالعه شده ۱۶ درصد سیلی خوردن، ۱۰ درصد ضربه، ۹ درصد لگد، ۵ درصد ضربه با اسلحه و ۶ درصد آسیب به روش‌های دیگر را در دوران بارداری گزارش کرده‌اند. خشونت روانی هرگونه رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روانی دیگری را با خطر روبه رو سازد مانند خرده‌گیری ناروا، توهین و تحقیر، فحاشی، تهدید به طلاق و محدود کردن آزادی (هن سون و والاس، کپ رتا^۴، ۲۰۰۴).

بیشتر خشونت‌ها با زنان از این‌گونه است به‌نحوی که برخی پژوهش‌ها میزان پراکندگی خشونت روانی علیه زنان را حتی تا ۹۲ درصد گزارش کرده‌اند (خسروی و خاقانی فرد، ۱۳۸۳). خشونت جنسی هرگونه رفتار خشونت‌آمیزی است که به سوءاستفاده‌ی جنسی و آسیب جنسی بیانجامد مانند مزاحمت‌های تلفنی و حضوری، فحشا، اجبار به نزدیکی غیرطبیعی، نزدیکی در زمان بارداری و عادت

1. Who

2. Wallace. H

3. Peedicalyil. Ababraham

4. Hanson & Wallace & Capretta

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاهها و زنان گروه کنترل ۱۷۹

ماهانه. (نل سون و هم‌کاران، ۲۰۰۴)^۵ گزارش کرده‌اند که هر سال ۲ تا ۴ میلیون زن در امریکا با خشونت روبه‌رو می‌شوند که اغلباً زمینه‌ی آسیب‌های روانی و بهداشتی را برای زنان فراهم می‌سازد. خشونت اقتصادی هرگونه رفتار خشونت‌آمیزی است که برای زیر فشار گذاشتن، آزار و تبعیض مالی دیگری انجام شود مانند برآورده نکردن نیازهای مالی خانواده و فروش وسایل خانه (عارفی، ۱۳۸۲). عارفی (۱۳۸۲) در پژوهش خود اذعان داشت که خشونت -به‌خصوص خشونت خانگی- تا حد گسترده‌ای می‌تواند تحت تأثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی خانواده قرار گیرد.

بر اساس نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی و گرایش‌ات نقش که یکی از نظریات مرتبط با خشونت علیه زنان است، زن نقش جنسیتی و درماندگی اکتسابی را در فرایند اجتماعی شدن در دوران کودکی تجربه می‌کند که منجر به سوءاستفاده از او در بزرگسالی و پس از ازدواج می‌شود. نظریه‌ی جامعه‌پذیری توضیحات نسبتاً ساده‌ای برای همسرآزاری دارد. نقشی که مردان و زنان ایفا می‌کنند مردان را در موقعیتی قرار می‌دهد که زنان را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند و زنان را در موقعیتی قرار می‌دهد که مورد سوءاستفاده قرار گیرند. این روند جامعه‌پذیری همراه با یادگیری خشونت خانوادگی از طریق مشاهده و تجربه باعث انجام دادن رفتار خشن در خانواده خواهد شد و بنا بر نظریه‌ی یادگیری بندورا فرد می‌آموزد که کسانی که همدیگر را دوست دارند نیز می‌توانند با هم رفتار خشن داشته باشند و منع اخلاقی برای خشونت با افراد خانواده وجود ندارد و اگر نتوان راه دیگری برای حل مشکل یافت، خشونت مجاز است. بنابراین زنان از سوی همسران‌شان مورد خشونت قرار می‌گیرند و می‌آموزند که این یک رفتار مجاز است (مارتین و هم‌کاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌گران معتقدند که خشونت‌ورزی با زنان ریشه‌هایی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد. برخی از این ریشه‌ها به‌ویژه ریشه‌های فرهنگی، در برخی از جوامع حتی می‌تواند خشونت‌ورزی مردان با زنان را موجه نماید (قهاری، ۱۳۸۱). البته در کنار فرایند جامعه‌پذیری، افراد می‌توانند بر اساس سرمایه‌های اجتماعی در دسترس که شامل سطوح تحصیلی، میزان دارایی و منابع اجتماعی و خانوادگی است نوع روابط خانوادگی‌شان را تعیین کنند. تحقیقات نشان داده است که بین اعمال خشونت مردان علیه همسران‌شان با سرمایه‌های اجتماعی در دسترس زنان ارتباطی مستقیم وجود دارد.

⁵. Nelson. H. Peggy

⁶. Martin

نظریه‌ی منابع گود که یکی از نظریات مربوط به خشونت خانوادگی است، خانواده را مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دارای نظامی اقتداری می‌داند و معتقد است که هر کس به منابع مهمی مانند شغل، درآمد، دارایی، تحصیلات، مهارت، اطلاعات و حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی دسترسی بیشتری داشته باشد می‌تواند سایر اعضای را به فعالیت در جهت امیال خود وادار کند. بنابراین زنانی که دارای قدرت اقتصادی، شغلی و تحصیلی هستند و به منابع حمایتی خانوادگی در زمینه‌های فکری، عاطفی، اقتصادی و منابع حمایتی اجتماعی دسترسی دارند کمتر از سوی همسران‌شان مورد خشونت قرار می‌گیرند و در این‌جا می‌توان به نقش نظام اجتماعی و میزان حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی از زن در درون خانواده و اجتماع به‌عنوان یکی از سرمایه‌های اجتماعی اشاره کرد (گود^۷، ۱۹۷۱).

کلوگا^۸ (۲۰۰۸) در تحقیقات همسرآزاری نشان داد که هرچه سطوح تحصیلات و میزان دارایی و درآمد زنان بیشتر باشد و شغلی مناسب‌تر داشته باشند، اعمال و میزان خشونت علیه آنان از سوی همسران‌شان کمتر است. افراد می‌توانند بر اساس روابط اجتماعی و نوع پیوندهایی که جزء سرمایه‌های اجتماعی است از منابع حمایتی برای برطرف کردن نیازهای‌شان استفاده کنند. هر اندازه روابط اجتماعی گسترده‌تر باشد، میزان دسترسی به منابع حمایتی بیشتر می‌شود و در صورت بروز مشکل و اعمال خشونت از سوی همسر، زن مجبور به تحمل شرایط نیست و می‌تواند با استفاده از منابع حمایتی، از خود دفاع کند و تسلیم خشونت نشود. ود^۹ (۱۹۹۰) معتقد است که حمایت‌های اجتماعی بر شش گویه‌ی گوناگون هستند که می‌تواند احتمال خشونت‌ورزی را با زن کاهش دهد:

- حمایت عاطفی: داشتن مهارت لازم در کمک گرفتن از دیگران به هنگام برخورد با دشواری.
- حمایت مصاحبتی: داشتن فعالیت‌های اجتماعی و سرگرم‌کننده.
- حمایت مشورتی: امکان بحث کردن در مورد مسائل و مشکلات و ارائه‌ی راه‌کارهایی برای حل و سازگاری با مسائل پیش‌آمده.
- حمایت ابزاری: دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی مورد نیاز در سختی‌ها و دشواری‌ها.
- حمایت اطلاعاتی: این که می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را برای درک موقعیت به‌دست آورد.

7. Good. W. J

8. Klomegah. R. Y

9. Wood. J. T

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۸۱

• حمایت خودارزش‌مندی: این‌که دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به او بفهمانند که فردی ارزشمند است و می‌تواند با به‌کارگیری توانایی‌های ویژه‌ی خود بر دشواری‌ها چیره شود. چنین به نظر می‌رسد که به‌ویژه دو حمایت عاطفی و ابزاری - که از انواع سرمایه‌های اجتماعی در دسترس زنان است - بیش از دیگر گونه‌های حمایت اجتماعی در برابر خشونت و کاهش خشونت نقش داشته باشد.

پژوهش دهقان فرد (۱۳۸۴) و محمدی (۱۳۸۵) نشان داد که هرچه میزان دریافت انواع حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی، تحصیلات، درآمد، دارایی و مهارت - که به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی در دسترس زنان مورد خشونت قرار گرفته - بیشتر باشد، اعمال خشونت از سوی همسران‌شان علیه آنان کمتر خواهد بود. پژوهش کوکر^{۱۰} (۲۰۰۲) بر روی ۱۱۵۲ زن که مورد خشونت قرار گرفته‌اند نشان داد که ۵۰/۹ درصد از زنان خشونت فیزیکی، ۴۰ درصد خشونت روانی و ۱۰ درصد خشونت جنسی را گزارش داده‌اند و از میان آنان، کسانی که از سوی خانواده، دوستان و خویشاوندان خود مورد حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی قرار داشتند نسبت به سایر زنانی که مورد حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی قرار نداشته‌اند خیلی کمتر از سوی همسران‌شان مورد خشونت قرار داشته‌اند و هم‌چنین کمتر احساس اضطراب، افسردگی و کاهش عزت نفس می‌کنند و توانایی کنترل بر روی حوادث منفی زندگی را دارند. با توجه به گزارشات موجود در مورد خشونت در ایران و سایر کشورها، بیشتر خشونت‌های اعمال شده بر علیه زنان از سوی آشنایان آنان صورت می‌گیرد و زنان ۱۰ برابر بیشتر از مردان توسط همسران، همسران سابق، شریک‌های جنسی، والدین و فرزندان خود مورد خشونت قرار می‌گیرند (خسروی، ۱۳۸۲). خسروی و هم‌کاران (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه‌ی همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در شهر تهران» نشان دادند که هرچه حمایت‌های خانوادگی دریافتی، سطوح تحصیلات و درآمد در زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند بیشتر باشد، اعمال انواع خشونت از سوی همسران‌شان علیه آن‌ها کمتر است و دریافت حمایت‌های خانوادگی در سه زمینه‌ی مهم (فکری، عاطفی و اقتصادی) در زنان مورد خشونت قرار گرفته، تمایل به افکار خودکشی و آسیب رساندن به همسر را کاهش می‌دهد.

¹⁰. Coker. A. L. Davis. K. E

۱۸۲ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

شمس اسفند آبادی و هم‌کاران (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی میزان رواج همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن» نشان دادند که میزان همسرآزاری در شهر تهران ۸۱ درصد است که میزان آن در برخی کشورها (آمریکا ۳۰ تا ۳۵ درصد) و در (کنیا ۴۲ درصد) بیشتر است.

شریفیان (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت خانگی» نشان داد که هرچه سرمایه‌های اجتماعی که شامل حمایت‌های اجتماعی دریافتی، میزان درآمد و سطوح تحصیلات در زنان بیشتر باشد، اعمال انواع خشونت‌ها از سوی همسران‌شان علیه آن‌ها کمتر است. پیترز^{۱۱} (۲۰۰۷) نشان داده است که از ۱۹۸ نفر زنی که مورد خشونت قرار گرفته بودند ۳۴/۸ درصد بازگو کردند که در سال گذشته خشونت بدنی را تجربه کرده‌اند و ۱۰/۶ درصد از آن‌ها خشونت‌های همیشگی را گزارش کرده‌اند.

بر اساس گزارش انجمن پزشکی آمریکا، نزدیک به ۵ درصد همه‌ی زن‌ها در طول زندگی خود انواع خشونت‌های خانوادگی را تجربه می‌کنند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که در ۱۳/۸ از همه‌ی ازدواج‌ها نسبت به زنان خشونت شدید اعمال می‌شود (داتون، ۱۹۸۸؛ برگرفته از گارتنز، گلان و یاکوب سون^{۱۲}، ۱۹۹۷). رز و هم‌کاران^{۱۳} (۲۰۰۰) نیز بیان کرده‌اند که ۴۵ درصد مردان آزارگر، شاهد آزار مادرشان توسط پدرشان بوده‌اند و ۶۶ درصد زنان قربانی در دوران کودکی خود شاهد خشونت بوده‌اند. تحقیقات لوتن بچر و هم‌کاران^{۱۴} (۲۰۰۳) نشان داد که ۳۵ درصد از کسانی که درآمد سالیانه ۲۰۰۰۰ دلار در سال و ۳۸ درصد کسانی که تحصیلات کمتر از دبیرستان داشتند معتقد بودند که دعوای بین زن و شوهر یک مسئله‌ی خصوصی است و باید در خانواده مخفی بماند.

در تحقیق حاضر با توجه به نقش مهم جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در میزان مورد خشونت قرار گرفتن زنان، به مطالعه‌ی رابطه‌ی متغیرهای یادشده با انواع خشونت و سهم پیش‌بینی‌کننده‌گی هر یک از آن‌ها در مورد خشونت خانگی خواهیم پرداخت. به‌علاوه، در تحقیق حاضر قصد داریم زنانی را که به‌علت مورد خشونت قرار گرفتن به دادگاه مراجعه کرده‌اند را در انواع خشونت، جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با زنان گروه کنترل مقایسه کنیم. به‌عبارت دیگر؛ در پی یافتن این هستیم که آیا زنانی که از سرمایه‌های اجتماعی و

11. Peters. J

12. Gortner. E. T. Gollan. J. Jacobson. N. S

13. Rose. L. E. Campbell. J

14. Lutenbacher. M. Cohen. A. Mitzel. J

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۸۳

حمایت‌های خانوادگی بیشتری برخوردارند، دارای جامعه‌پذیری متفاوتی هستند و خشونت مردان را کمتر پذیرفته‌اند بیشتر به دادگاه‌ها مراجعه می‌کنند یا آن‌ها در مقایسه با گروه کنترل مورد خشونت بیشتری قرار گرفته‌اند. دسترسی زنان به سرمایه‌های اجتماعی، حمایت‌های خانوادگی و داشتن الگوی جامعه‌پذیری متفاوت از کلیشه‌های رایج جنسیتی سبب افزایش عزت نفس و به‌کار گرفتن راهبردهای درست کنار آمدن و سازگاری در زندگی خانوادگی و کاهش خشونت خانگی علیه زنان می‌شود. طبق تحقیقات انجام‌شده، برخورداری زنان از منابع اجتماعی و خانوادگی و اثرات مثبت روانی و اجتماعی ناشی از آن‌ها موجب می‌شود که زنان کمتر اعمال خشونت از سوی همسران‌شان را بپذیرند و در مقابل خشونت خانوادگی مقاومت نشان دهند و بیشتر به دادگاه‌ها و مراکز مشاوره مراجعه کنند.

فرضیات پژوهش

با نگرش به مبنای نظری گفته‌شده و پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج و با فرض این‌که میزان خشونت اعمال‌شده علیه زنانی که به‌علت مورد خشونت قرار گرفتن به دادگاه‌ها مراجعه کرده‌اند بیش از زنانی است که مراجعه نکرده‌اند، به تدوین فرضیات پژوهش به شرح زیر می‌پردازیم:

- زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیش از زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند مورد خشونت قرار گرفته‌اند.
- میزان جامعه‌پذیری زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، متفاوت از جامعه‌پذیری زنان گروه کنترل است.
- میزان سرمایه‌های اجتماعی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، متفاوت از زنان گروه کنترل است.
- میزان حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده‌ی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، متفاوت از زنان گروه کنترل است.
- بین جامعه‌پذیری، حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده و سرمایه‌های اجتماعی، با مورد خشونت قرار گرفتن ارتباط مثبت وجود دارد.
- جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده، سهمی تعیین‌کننده در پیش‌بینی مورد خشونت قرار گرفتن دارند.

روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی است که در درجه‌ی اول برای مقایسه‌ی گروه‌ها و سپس با هدف مطالعه‌ی رابطه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در شهر تهران انجام شده است. روش نمونه‌گیری در این

۱۸۴ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

پژوهش به صورت نمونه‌ی در دسترس بود که با مراجعه به مجتمع قضایی خانواده، پزشکی قانونی و مراکز مشاوره‌ی شهر تهران، از میان زنانی که به علت اختلافات خانوادگی مراجعه کرده بودند زنانی انتخاب شدند که از سوی همسران‌شان مورد انواع خشونت‌ها قرار گرفته بودند و تعداد آزمودنی‌ها ۱۸۴ زن است. همچنین با توجه به ۵ منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) شهر تهران به طور تصادفی از هر منطقه تعدادی بیمارستان، مدرسه و منزل انتخاب شد و ۲۲۸ نفر از کارمندان بیمارستان، مدرسه و زنان شاغل و خانه‌داری که از نظر سن و مدت زمان ازدواج با گروه نخست هم‌تا بودند برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها انتخاب شدند.

ابزارهای سنجش

الف- پرسش‌نامه‌ی سنجش خشونت نسبت به زنان (حاج یحیی، ۲۰۰۲): پرسش‌نامه‌ی سنجش خشونت نسبت به زنان، دارای ۳۲ ماده و ۴ عامل است. عامل نخست (ماده‌های ۱ تا ۱۶) برای سنجش خشونت روانی؛ عامل دوم (ماده‌های ۱۷ تا ۲۷)، برای سنجش فیزیکی؛ عامل سوم (ماده‌های ۲۸ تا ۳۰)، برای سنجش جنسی و عامل چهارم، (ماده‌های ۳۱ و ۳۲) برای سنجش خشونت اقتصادی است. ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای چهار عامل آزمون حاج یحیی به ترتیب ۷۱ درصد، ۸۶ درصد، ۹۳ درصد و ۹۲ درصد است. اعتبار این پرسش‌نامه توسط چند نفر از اساتید تأیید شد و ضریب پایایی درونی (آلفای کرونباخ) آن ۰.۹۵ است.

ب: پرسش‌نامه‌ی جامعه‌پذیری: این آزمون از ۱۲ پرسش با پاسخ‌های پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظرم، مخالفم، کاملاً مخالفم) است. این آزمون میزان جامعه‌پذیری را می‌سنجد. ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای پرسش‌نامه‌ی جامعه‌پذیری ۰/۷۱ است.

این پرسش‌نامه بر اساس مبنای نظری جامعه‌پذیری جنسیتی و مطالعات پیشین تهیه شده است (گانتز و هم‌کاران، ۱۹۸۲؛ گالامبوس و هم‌کاران^{۱۵}، ۱۹۸۵).

ج: پرسش‌نامه حمایت‌های اجتماعی: این پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش بود که برای سنجش میزان حمایت اجتماعی واقعی ادراک‌شده‌ی زنان بر پایه‌ی پیشینه‌ی پژوهشی، نگرش‌ها و یافته‌های پژوهش‌ها در زمینه‌ی خشونت‌ورزی با زنان فراهم آمد.

این آزمون دارای ۴ پرسش با پاسخ‌های پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظرم، مخالفم، کاملاً مخالفم) است. این آزمون میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده از بیرون از خانواده‌ی کنونی (از سوی

¹⁵. Gunter. B, wober. M; Galambos. NL ,Petersen. AC, Richards. M,Gitelson. IB

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۸۵

خانواده‌ی پدری و کلاً حمایت از سوی همه‌ی فامیل و بستگان) و در واقع، میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده‌ای را می‌سنجد که فرد بیرون از خانواده‌ی کنونی‌اش انتظار دارد. هم‌چنین ضریب پایایی پرسش‌نامه ۰/۸۲ است (خسروی و خاقانی‌فرد، ۱۳۸۳).

د: پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌های اجتماعی: در این تحقیق میزان تحصیلات و دسترسی به اشتغال به‌علاوه حمایت‌های اجتماعی بعنوان متغیر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه تحصیلات و اشتغال امکان ورود افراد را به شبکه‌های اجتماعی و حمایتی بیشتری فراهم می‌سازد می‌توان گفت، این متغیرها سرمایه اجتماعی را می‌سنجند.

یافته‌های تحقیق

زنان مورد خشونت قرار گرفته (گروه نمونه) از نظر تحصیلات ۹/۲ درصد زیر دیپلم، ۵۲/۲ درصد دیپلم و ۳۸/۶ درصد بالای دیپلم و زنان مورد خشونت قرار گرفته‌ای که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند (گروه کنترل) ۶/۲ درصد زیر دیپلم، ۴۲/۲ درصد دیپلم و ۵۱/۸ درصد بالای دیپلم هستند. هم‌چنین ۶۷/۴ درصد از زنان گروه نمونه، خانه‌دار و ۳۰/۴ درصد شاغل هستند و از ۵۲/۶ درصد از زنان گروه کنترل، خانه‌دار و ۴۶/۱ درصد شاغلند.

جدول (۱) آزمون مقایسه‌ی میانگین بین انواع خشونت در زنان خشونت‌دیده‌ی مراجعه‌کننده به دادگاه و زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند

شاخص انواع خشونت	گروه	تعداد	میانگین	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
خشونت روانی	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۲۲/۸۸	۴۱۰	۱۹/۹۸	۰/۰۰۰
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۸/۱۹			
خشونت فیزیکی	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۱۱/۶۴	۴۱۰	۱۷/۳۸	۰/۰۰۰
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۲/۰۴			
خشونت جنسی	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۳/۰۹	۴۱۰	۱۰/۲۴	۰/۰۰۰
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۱/۰۵			
خشونت اقتصادی	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۱/۴۵	۴۱۰	۱۵/۴۸	۰/۰۰۰۱
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۱/۳۰			

($p < 1\%$)

برای مقایسه‌ی انواع خشونت در زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه کرده‌اند و زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند، از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همان‌گونه

۱۸۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده در خشونت روانی، فیزیکی، جنسی و اقتصادی به ترتیب برابر با (۱۹/۹۸)، (۱۷/۳۸)، (۱۰/۳۴)، (۱۵/۴۸) است که این مقادارها از نظر آماری در سطح ۱ درصد معنادار هستند. به این معنا که میزان خشونت روانی، فیزیکی، جنسی و اقتصادی در زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیشتر از زنان خشونت‌دیده‌ای است که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند.

جدول (۲) همبستگی محاسبه‌شده بین انواع خشونت و سرمایه‌های اجتماعی

شاخص انواع خشونت	شغل	تحصیلات
خشونت روانی	-۰/۱۴°	-۰/۱۱°
خشونت فیزیکی	-۰/۱۵	-۰/۱۸°
خشونت جنسی	-۰/۱۳°	-۰/۱۲°
خشونت اقتصادی	-۰/۱۱°	---

(p<1%)

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه‌شده بین شغل و خشونت روانی، جنسی و اقتصادی به ترتیب برابر با (-۰/۱۴)، (-۰/۱۵)، (-۰/۱۳)، (-۰/۱۱) است که این مقادارها از نظر آماری در سطح ۵ درصد معنادار هستند و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت که میان شغل و انواع خشونت همبستگی منفی وجود دارد. همچنین همبستگی محاسبه‌شده میان تحصیلات و خشونت روانی، فیزیکی و جنسی به ترتیب برابر با (-۰/۱۱)، (-۰/۱۸)، (-۰/۱۲) است که این مقادارها از نظر آماری در سطح ۵ درصد معنادار هستند یعنی هرچه تحصیلات بیشتر باشد، انواع خشونت کمتر است. همچنین میان تحصیلات و خشونت اقتصادی رابطه‌ی معناداری وجود نداشت.

جدول (۳): مقایسه‌ی میانگین بین جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده در دو گروه زنان خشونت‌دیده

گروه متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
جامعه‌پذیری	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۳۷/۹۸	۴۱۰	۱/۲۰	۰/۲۳
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۳۸/۶۶			
سرمایه‌های اجتماعی	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۳/۹۰	۴۱۰	۳/۴۴	*۰/۰۰۱
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۳/۰۵			
حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده	زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند	۱۸۴	۴/۰۵	۴۱۰	۳/۸۶	*۰/۰۰۱
	زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند	۲۲۸	۳/۵۸			

*P< (001)

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۸۷

برای مقایسه‌ی جامعه‌پذیری، حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده و سرمایه‌های اجتماعی در زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه کرده‌اند و زنان خشونت‌دیده‌ای که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند، از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه‌شده برای جامعه‌پذیری یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان جامعه‌پذیری در دو گروه از زنان خشونت‌دیده که به دادگاه مراجعه کرده‌اند و زنان خشونت‌دیده که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند تفاوت ندارد، اما بین دو گروه از نظر سرمایه‌های اجتماعی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان سرمایه‌های اجتماعی در زنان خشونت‌دیده که به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیشتر از زنان خشونت‌دیده‌ای است که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند. همچنین میزان حمایت‌های ادراک‌شده‌ی زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیش از زنانی است که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند.

جدول (۴) رگرسیون چندگانه میان انواع خشونت، جامعه‌پذیری، سرمایه‌های اجتماعی

سطح معناداری	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		گروه‌ها
	میزان تغییر متغیر وابسته (Beta)	R ²	R	معادله‌ی رگرسیون	
۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۶۰	جامعه‌پذیری
۰/۰۰۱	۰/۲۴	۰/۱۶	۰/۴۰	۰/۳۷	جامعه‌پذیری و حمایت‌های اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۹			۰/۴۳	
۰/۰۰۱	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۴۲	۰/۳۶	جامعه‌پذیری، حمایت اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۱۸			۰/۴۱	
۰/۰۱	۰/۱۶			۰/۵۰	

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، پس از محاسبه‌ی رگرسیون گام‌به‌گام میان انواع خشونت، جامعه‌پذیری و سرمایه‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری به‌تنهایی ۱۴ درصد از واریانس متغیر وابسته و در گام دوم، جامعه‌پذیری و حمایت اجتماعی با هم ۱۶ درصد و جامعه‌پذیری همراه با حمایت و سرمایه‌های اجتماعی ۱۸ درصد اعمال خشونت را پیش‌بینی کردند.

نتیجه گیری

در فرضیه‌ی ۱ پیش‌بینی شده بود زنانی که به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیش از زنانی که به دادگاه مراجعه نکرده‌اند مورد خشونت قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اعمال انواع خشونت‌ها از سوی مردان علیه همسران‌شان در گروه نمونه بیشتر از گروه کنترل است. همه‌ی آزمودنی‌ها در هر دو گروه نمونه و کنترل گزارش داده‌اند که مورد ضرب و شتم - حتی ضرب و شتم شدید - از سوی همسران خود هستند و خشونت فیزیکی به نوبه‌ی خود باعث آسیب و ناراحتی‌های جدی در این زنان شده، اما شایان ذکر است که اعمال خشونت روانی مردان علیه همسران‌شان در هر دو گروه بیش از اعمال خشونت‌های فیزیکی از سوی مردان علیه همسران‌شان، و اثرگذاری خشونت روانی بر زنان بیش از اثرگذاری خشونت‌های دیگر است. هم‌چنان که مک کلی و هم‌کاران^{۱۶} (۱۹۹۵) و هن سون و والاس کپ رتا (۲۰۰۴) و خاقانی فرد (۱۳۸۲) نشان داده‌اند، پراکندگی خشونت روانی با زنان بسیار است به گونه‌ای که گاه به ۹۰ درصد می‌رسد.

در فرضیه‌ی ۲ پیش‌بینی شده بود که میزان جامعه‌پذیری زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، متفاوت از جامعه‌پذیری زنان گروه کنترل است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هر دو گروه نمونه و کنترل، در میزان جامعه‌پذیری‌شان تفاوتی معنادار وجود ندارد. بنابراین علت مراجعه‌ی زنان مورد خشونت قرار گرفته‌ای که به دادگاه مراجعه کرده‌اند نسبت به زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند و به دادگاه مراجعه نکرده‌اند، جامعه‌پذیری متفاوت آنان نیست، بلکه زنان گروه نمونه نسبت به زنان گروه کنترل بیشتر در معرض اعمال انواع خشونت‌ها از سوی همسران‌شان هستند. جامعه‌پذیری فرایند درونی کردن ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌های مناسب برای زنان و مردان با توجه به زنانگی و مردانگی است. طبق اصول جامعه‌پذیری، زنان باید آرام، مطیع، منفعل، عاطفی، فداکار، وابسته به مردان، همسر دوست، رازدار و پذیرای برتری عقلانی و اجتماعی مردان نسبت به خود باشند و انجام وظایف همسر داری، فرزند داری و خانه داری را نسبت به انجام دادن مسائل شخصی، تحصیلی و شغلی خود در اولویت قرار دهند. اصول جامعه‌پذیری برای مردان دقیقاً نقطه‌ی مقابل ویژگی‌ها و نقش‌های زنان را بیان می‌کند به گونه‌ای که مردان را در موقعیتی فرادست و زنان را در موقعیتی فرودست قرار می‌دهد.

¹⁶. Mcauley, J. Eanne. D

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۸۹

حال در چنین شرایطی و با توجه به درماندگی آموخته‌ی زنان و یادگیری اجتماعی که در طی فرایند جامعه‌پذیری رخ می‌دهد، می‌توان آن‌را عاملی دانست که هم مردانی که در دوران کودکی شاهد اعمال انواع خشونت‌ها از سوی پدرشان علیه مادران‌شان بوده‌اند و هم زنانی که متعلق به خانواده‌هایی هستند که مادران‌شان از سوی پدرانشان مورد اعمال انواع خشونت‌ها واقع می‌شوند به این باور دست پیدا کنند که اعمال خشونت مردان علیه همسران‌شان و تحمل خشونت اعمال شده از سوی همسران‌شان توسط زنان امری طبیعی و مجاز است. هیدفن^{۱۷} (۱۹۹۹) گزارش می‌کند که قربانیان همسرآزاری در صدد پنهان کردن وضعیت‌شان هستند زیرا آنان می‌دانند که با فاش شدن این مسئله از سوی سایر زنان و مردان، محکوم به انجام ندادن وظایف همسرداری و زیر پا گذاشتن اصول اجتماعی و خانوادگی می‌شوند که از طریق جامعه‌پذیری شکل هنجار به‌خود گرفته است و از سوی دیگر، به شکل شدیدتری از سوی همسران خود مورد اعمال انواع خشونت‌ها قرار خواهند گرفت زیرا آنان یکی از فاکتورهای مهم جامعه‌پذیری را نادیده گرفته‌اند که مخفی ماندن مسائل زناشویی است.

در فرضیه‌ی ۳ پیش‌بینی شده بود که میزان سرمایه‌های اجتماعی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه متفاوت از زنان گروه کنترل است. داشتن سرمایه‌های اجتماعی اعم از تحصیلات و شغل، به شکل‌گیری خودپنداره‌ی مثبت‌تری در فرد می‌شود و در این حالت اعمال انواع خشونت‌ها از سوی همسر را دلیل بر ضعف و حقارت خود نمی‌دانند و بیشتر باور دارند که این همسران‌شان هستند که مشکل دارند نه خود آن‌ها. بنابراین عزت نفس‌شان حفظ می‌شود و دچار تشویش، ترس و افسردگی نمی‌شوند و به‌جای تحمل انواع خشونت‌ها از سوی همسران‌شان، با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی در دسترس‌شان راه‌حل‌های جای‌گزینی را انتخاب می‌کنند که به حل بهتر مشکل بیانجامد. یافته‌های برخی پژوهش‌های پیشین به نقش سرمایه‌های اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند. بارون و برن به نقل از جلالی و هم‌کاران (۱۳۸۵)، چنگ و هم‌کاران^{۱۸} (۲۰۰۸)، آسفر و میزاک^{۱۹} (۲۰۰۳) و سوآن و هم‌کاران^{۲۰} (۲۰۰۹) نیز سرمایه‌های اجتماعی را سپر بلایی می‌شمارند که می‌تواند نگاه‌بان فرد در برابر فشارهای درونی و تهدیدهای بیرونی باشد.

17. Hydfen. M

18. Chang. D. F. Shen. B. J. Takeuchi. D. T

19. Martin. Marinshaw. Maziak. W. Asfar. T

20. Swan, S. C. , Gambone, L. J. , Caldwell, J. E. , Sullivan, T. P. , & Snow, D. L. . .

۱۹۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

در فرضیه‌ی ۴ پیش‌بینی شده بود که حمایت اجتماعی ادراک‌شده‌ی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه متفاوت از زنان گروه کنترل است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی و خانوادگی ادراک‌شده در زنان گروه نمونه بیشتر از گروه کنترل است. هرچه میزان دسترسی زنان به حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی بیشتر باشد، از سوی همسران‌شان کمتر مورد خشونت قرار می‌گیرند و توانایی بیشتری برای مقابله با خشونت خانوادگی دارند و کمتر احساس افسردگی، اضطراب، کاهش اعتمادبه‌نفس، خودکم‌بینی و عدم ناتوانی در کنترل پرخاشگری و عصبانیت نسبت به اطرافیان در آنان دیده می‌شود. محمدی (۱۳۸۵)، دهقان‌فرد (۱۳۸۴)، علی و هم‌کاران^{۲۱} (۲۰۰۱).

در نهایت، یافته‌های جدول (۴) نشان داد که جامعه‌پذیری و سرمایه‌ی اجتماعی قادر به پیش‌بینی انواع خشونت هستند. یافته‌های این جدول با نظریه‌ی منابع گود همخوان است. طبق این نظریه، زنانی که دسترسی بیشتری به منابع تحصیلی، شغلی و منابع خانوادگی در زمینه‌های فکری، عاطفی و اقتصادی دارند از سوی همسران‌شان کمتر مورد خشونت قرار می‌گیرند. هم‌چنین، این یافته با یافته‌های خسروی و هم‌کاران (۱۳۸۳) هماهنگ است. آن‌ها در تحقیق خود نشان دادند که هرچه حمایت‌های خانوادگی دریافتی، سطوح تحصیلات و شغل در زنان مورد خشونت قرار گرفته بیشتر باشد اعمال انواع خشونت از سوی همسران‌شان علیه آن‌ها کمتر است.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این تحقیق که در تهران انجام شده، ضروری است میزان دسترسی زنان و دختران را به سرمایه‌های اجتماعی - شامل حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی، داشتن شغل و سطوح تحصیلاتی بالا است - را بیشتر و هموارتر بسازیم زیرا دسترسی به منابع اجتماعی و خانوادگی، اعمال انواع خشونت‌ها از سوی مردان علیه زنان را کاهش می‌دهد و در بهبود وضعیت روانی و اجتماعی زنان نقشی به‌سزا دارد. هم‌چنین در تحقیقات آتی رابطه‌ی متغیرهای دیگر با خشونت خانوادگی سنجیده شود. امکان انجام چنین تحقیقی را در سایر شهرها و روستاهای ایران به وجود بیاوریم. شرایط آموزش مرحله به مرحله‌ی تغییرپذیری ارزش‌ها، الگوها و کلیشه‌های جامعه‌پذیری را از طریق رسانه‌های همگانی فراهم کنیم.

21. Ali, A. , and Toner, B. B

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاهها و زنان گروه کنترل ۱۹۱

منابع

- Ali, A. , and Toner, B. B.** (2001) Self esteem as a predictor of attitudes toward wife abuse among muslim women and men in Canada, *Journal of social psychology*, 141, 23-30 .
- Arefi, Marziyeh** (2003) a descriptive investigation of violence against women in Urimiyeh. Journal of women's Study. Alzahra University.
- Chang, D. F, Shen, B-J, and Takeuchi, D. T.** (2008) Prevalence and demographic correlates of intimate partner violence in Asian Americans, *International Journal of Law and Psychiatry*, 32, 167-175.
- Coker, A. L , Davis, K. E , Arias, I , Desai, S , Sanderson, M. , Brandet, H. M. , et al.** (2002) Physical and mental health effects of intimate partner violence for men and women, *American Journal of Preventive Medicine*, 23, 260-268 .
- Dehghan Fard. Raziye** (2005) The study on the effect of different types of family relationship on the violence against women. M.A. dissertation in sociology .Alzahra University.
- Gahari, Shabanoo** (2002) The investigation of psychological problems in women victim of domestic violence. Article offered to the second Clinical Psychological Congress.
- Galambos. NL ,Petersen. AC, Richards. M,Gitelson. IB** (1985) the Attitus Towards Scale for Adolescents (AWSA): a study of reliability and Validity. *Sex Roles* 1985 ,13 (5/6): 343-356.
- Good, W. J.** (1971) Force and violence in the family, *Journal of Marriage and Family* 33: 624-636 .
- Gunter. B, wober. M.** (1982) Television viewing and Perceptions of women roles on television and in real life. *current Psychological Research* 1982 ,2(4): 277-287
- Haj-Yahia, M. M** (1999) Wife abuse and its' psychological consequences as revealed by the first Palestinian national survey on violence against women, *Journal of family psychology*, 13, 642-662.
- Haj-Yahia, M. M.** (2002) Beliefs of Jordanian women about wife.
- Hanson ,R. karl , and Suzanne Wallace –capretta.** (2004) 'Predictors of criminal Recidivism among Male Batterers. " *Psychology ,crim. And Low* 10 (4).
- Hydfen, M.** (1999) The world of the fear full: Battered women's barratives of leading abusive husbands. *Feminism and Psychology* ,(4),449-469.
- Jalali, et al.** (2006) An Investigation of the amount of violence in the women with addicted husbands. *Journal of Women's Study*. Alzahra university.
- Khaghani Fard, Mitra** (2003) an investigation of the relationship between annoying spouse with tendency to suicide and hurting husbands in women subjected to violence in Tehran. M.A dissertation in Women's Study. Alzahra University.

- Khosravai, Zohreh** (2003) Psychological Principles of Sex. Qasideh sara.Tehran.
- Khosravai , Zohreh. Khaghani Fard, Mitra** (2004) Annoying spouse with tendency to suicide and hurting husbands in women in Tehran . Journal of Women's Study. AlZahra University.
- Klomegah, R. Y.** (2008) Intimate partner violence (IPV) in Zambia: An examination of risk factors and gender perceptions, *Journal of Comparative Family Studies*; 39,4, 557-569. Chang, D. F, Shen, B-J, and beating, *Psychology of Women Quarterly*, 26 (4): 282-291.
- Lutenbacher. M. ,cohen,A. ,&Mitzel,j.** (2003) Do We really help Perspectives of abuse women. Public Health Nursing 20 (1),58-64
- Maziak, W. , and Asfar, T.** (2003) Physical abuse in low-income women in Aleppo, Syri, *Health care for women inter*3-326 14.
- Mccauley ,J. Eanne ,D. Avide. Kern ,Ken Kolodner ,Lauridill,Arthur. F. Schroeder ,Hallie K. Dechnt ,J. anice Ryden ,Eric. Bass ,and Len. Derogatis** (1995) "The Battering Syndrome: Prevalence and Clinical Characteristics of Domestic Violence in primary Care Internal Medicine practicees "Annals of Internal Medicine 123 .
- Mohamady, Faezeh** (2006) The investigation of spouse annoying in Rvansar Kermanshah.M.A. dissertationin women's Study.Alzahra University.
- Nelson,HeidiD. ,Peggy Nygren ,Yasmin Mcinerney ,and Jonathan Klein** (2004) Screening Women and Elderly Adults for Family and Intimate Partner Violence: A Review of the Evidence for U. S. Preventive Task Force. Clinical Guidelines 140 (5): 380- 392.
- Peedicalyil. Abraham ,Laura S. Sandowski, lakshman jeyaseelan , Viswanathan Shankal , Dipty jain ,saradha suresh ,and shrikanti. Bangdiwala** (2004) "*Spousal physical violence against women during pregnancy.* "British journal of obstetrics and gynaecology 111 (7).
- Peters, jay** (2007) Measuring Myths about Domestic Violence,journal of Aggression ,Maltreatment &trama .
- Rose ,L. E. , &Campbell,j.** (2000) The role of social support and family relationships in womens responses to battering. Health care for women International 21 (1).
- Shams Esfand Abady, Hasan. Emamipoor , suzan** (2006) The investigation of the spraed of Annoying spouse and the factors affecting it>The journal of Women's study. Alzahra University.
- Shrifian, Aliakbar** (2006) The investigation of the factors effecting domestic violence. Ph.D. Dissertation in Social work.Alame tabatab ee University.
- Swan, S. C. , Gambone, L. J. , Caldwell, J. E. , Sullivan, T. P. , & Snow, D. L.** (2008). A review of research on women's use of violence with male intimate partners. Violence and Victims, 23, 301-314.

مطالعه‌ی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل ۱۹۳

Wood ,J,T. (1990) Gendered relationships. Mountain view ,CA: May field Maziak,
W. , and Asfar, T. (2003) Physical abuse in low-income women in Aleppo, Syri,
Health care for women international, 24, 313-326.

World Health Organization. (2002) Violence-a global public health approach. In
E. G. Krug, L. L. Dahlberg, J. A. Mercy, A. Zwi, and R. Lozano. (Eds.). *World
report on violence and health*, Geneva, WHO . *national*, 24,

Wallace, H. (2004) Family violene: Legal Medical, and Social Perspective, Allyn
Bacon .

World Health Oranization (WHO). (2008) Violence against Women. Fact Sheet
No. 239 ,World Health Organization (WHO), Geneva ,Switzerland 10 August 2008.